

## سر برتری قرآن بر دیگر کتب آسمانی



چون رسالت هر پیامبری به تلقی وحی تشریحی اوست که متن پیام و گوهر رسالت است و شناخت رسالت هر پیامبری در گرو معرفت وحی تشریحی اوست؛ همانگونه که نزول هر پیامی به اندازه ظرفیت هستی آن انسان متعالی است و از رهگذر تفاوت و امتیاز انبیا با یکدیگر؛ (ولقد فضلنا بعض النبیین علی بعضی) (1) و (تلك الرسل فضلنا بعضهم علی بعض) (2) می‌توان به تمایز پیام‌های آنان پی برد. زیرا پیام‌ها هدف مشترکی دارند،

لیکن در سعه و ضیق معارف از هم جدا بوده، در انبغ و عمیق بودن همتای هم نیستند.

بنابراین، کامل‌ترین انسان‌ها، جامع‌ترین پیام‌های خدا را دریافت می‌کند و بر اثر کلیت و دوام رسالت خویش، مظهر پایان‌بخش نبوت را همراه دارد و نشان خاتمیت را همواره بر دوش می‌کشد و شانه او زیر بار مسئولیت ختم رسالت و مهر نبوت، سنگینی توانفرسای آخرین پیام به جوامع بشری را در طول تاریخ، حس می‌کند؛ (إنا سنلقي عتیک قولاً ثقیلاً) (3) زیرا رسالت او نه تنها نسبت به حال و آینده معتبر است، بلکه باید درباره ره‌آورد همه پیام‌آوران گذشته میزان قویم باشد، نه در حدّ تصدیق محض، بلکه در مرز سرپرستی و هیمنه و مدیریت و حفاظت همه جانبه، تا باقیمانده آنها را از آسیب تحریف و گزند گزافه‌گویان مصون بدارد، و آنچه را از خاطره‌ها رخت بر بسته یا نابجا تفسیر شده، برای خاطرها حاضر سازد و آن را درست بیان کند، تا سلسله پیام‌ها به رهبری قافله‌سالارشان قرآن کریم محفوظ بماند؛ همانگونه که نام و یاد پیامبران با رهنمود سرورشان زنده و پابرجاست؛ (وآزلنا إلیک الكتاب بالحقّ مصدّقاً لما بین یدیه من الكتاب و مهیماً علیه) (4)

انگیزه غائی هر پیامی به اندازه درجه وجودی مبدأ فاعلی و فرستنده پیام و نیز به مقدار هستی مبدأ صوری و محتوای آن، همچنین به ظرفیت مبدأ قابل و روح مجرد انسان کاملی است که پذیرای آن است. تمام پیام‌های آسمانی از عظمت مبادی چهارگانه یاد شده برخوردارند، لیکن پس از تحلیل نهائی روشن می‌شود که هیچ پیامی همتای آخرین پیام الهی نیست و امتیاز این پیام نهائی برین، بر همه پیام‌های گذشته در تمام مبادی چهارگانه همچنان محفوظ است.

از لحاظ مبدأ فاعلی خدای سبحان مبدأ آغازین همه رسالت‌هاست، ولی در هر پیامی، با نام خاصی از اسمای حسنی خود ظهور می‌کند که آن نام‌ها یکسان نیستند. در نتیجه مبدأ فاعلی پیام‌ها نیز در همه موارد همتای هم نخواهند بود. زیرا رسالتی که از اسم عظیم نشأت می‌گیرد، همتای پیام برآمده از اسم اعظم نیست. چون اسم عظیم همسان اسم اعظم نیست.

از جهت مبدأ صوری و محتوای پیام، مضمون دستوری که از اسم اعظم نازل می‌شود، برتر از محتوای فرمانی است که از اسم غیراعظم سرچشمه می‌گیرد.

از لحاظ مبدأ قابل و روح مجرّد انسان کامل که قرارگاه وحی است، پیام دریافتی کامل‌ترین انسان‌ها، از هرگونه پیام دیگری، کامل‌تر است. چون اسلام ناب دین خداست؛ (إِن الدّین عندالله الاسلام) (5) و همه پیام‌آوران الهی همان را دریافتند، به اتمت‌ها رسانده‌اند، لیکن مراتبی دارد و تفاوت مراتب آن در بطن و عمق و نیز تعالی درجات آن در صعود و رُقی تردیدپذیر نیست و عالی‌ترین مرتبه آن را کامل‌ترین وحی یاب و والاترین مهبط وحی تلقی می‌کند.

از جهت مبدأ غائی و انگیزه نهائی و هدف وجودی‌اش نیز چنین است. چون ارزش آن به مقدار مبادی گذشته است که در اوج کمال‌اند. پس مبدأ غائی آخرین پیام نیز در قله کمال بوده، مقامی برتر از آن میسور صالحان سالک نیست، وگرنه آخرین دستور نمی‌شد. زیرا سنت تبدیل‌ناپذیر حقّ بر این است که هر استعدادی را به فعلیت برساند و به جرمان هیچ جامعه شایسته‌ای رضا ندهد و اگر برتر از آن بود و جامعه بشری استحقاق دریافت آن را داشت، حتماً با ارسال پیامبر دیگر و کتابی جداگانه آن را نازل می‌فرمود.

از این رهگذر به راز تعبیر دعای شب بیست و هفتم رجب الاصبّ که سالروز بعثت خاتم انبیای الهی است، می‌توان پی برد؛ «اللهمّ إتی أسئلك بالتجلی الأعظم فی هذه اللیلة» (6) زیرا متکلم در کلام خود تجلی می‌کند؛ «فتجلی لهم سبحانه فی

کتابه من غیر أن یكونوا رأوه»، (7) لیکن همه تجلی‌های او همتای هم نیست و کامل‌ترینش همان است که بر قلب مطهر کامل‌ترین فرستاده‌ها فرود آمده است؛ (نزل به الروح الامین \* علی قلبك لتكون من المنذرين) (8) یعنی مرآت اعظم، مرئی اعظم خواهد داشت.

یادسپاری؛ مؤمنان موظف‌اند به همه پیامبران ایمان بیاورند و هیچ تفاوتی میان آنان نگذارند؛ (لا تفرّق بین أحد من رسله) (9) و (و الذین امنوا بالله ولم یفرّقوا بین أحد منهم أولئک سوف یؤتیهم أجورهم و کان الله غفوراً رحیماً) (10)

این عدم امتیاز، درباره اصل رسالت و نبوت است، نه به لحاظ درجه آن، و گرنه همانگونه که ایمان به اصل سمت آنها لازم است، ایمان به تفاضل و به درجه خاصّ هر يك

نیز بایسته است تا اولوالعزم از غیر اولوالعزم ممتاز شود، و در نتیجه خاتم از دیگران و افضل از غیر افضل امتیاز یابد و بدین وسیله مرتبت پیام خاتم صلی الله علیه و آله و سلم به پیام‌های دیگران آشکار گردد، و مسئولیت صیانت و اطاعت و تعمیم و تعمیق آن هویدا شود.

- 1 - سوره اسراء، آیه 55.
  - 2- سوره بقره، آیه 253.
  3. سوره مّزل، آیه 5.
  - 4- سوره مائده، آیه 48.
  5. سوره آل عمران، آیه 19.
  6. مفاتیح الجنان.
  7. نهج البلاغه، خطبه 147.
  8. سوره شعراء، آیات 1 - 94 - 193.
  9. سوره بقره، آیه 285.
  10. سوره نساء، آیه 152.
- هدایت در قرآن، ص 119-122.
- سایت اسرا